

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: توماج

۱۰/۱۲/۰۳

آنان که آینده را می سازند، آینده‌ای به رنگ سرخ انقلاب

بیانیه جمعی جوانان و دانشجویان چپ ایران در تبعید در آستانه ۱۶ [قوس] آذر ۱۳۸۹

بگذارید این وطن رویائی باشد که رؤیای پروان در رؤیای

خویش داشته‌اند.

بگذارید سرزمین بزرگ و پرتوان عشق شود

سرزمینی که در آن، نه شاهان بتوانند بی‌اعتنائی نشان دهند

نه ستمگران اسباب‌چینی کنند

تا هر انسانی را، آن که برتر از اوست از پا درآورد.

(لنگستون هیوز)

اکنون نهال ۱۶ [قوس] آذر آن قدر قد کشیده است، که تاریخ معاصر ما را برای برگ‌های جوانش معنا کند. تاریخی که اگر چه لبریز از کشتار و خفقان و سرکوب و سلول، اما یکدم تهی از مبارزه و جنبش‌ها برای رهائی نبوده است. جنبش دانشجویی همواره از پیش‌تازان مبارزه برای تغییر وضع موجود بوده و در کشاکش نبردهای اجتماعی، بیشترین هزینه‌ها را پرداخته‌است.

۱۶ آذر امسال در شرایطی فرامی‌رسد که جامعه ایران تحولات فشرده عظیمی را در یکسال و نیم اخیر از سرگذرانده و آبستن دگرگونی‌هایی عمده است، هرچند گاردهای موتوریزه سپاه، بر سنگفرشی از خون جوانان، پادگانی به وسعت مرزهای کشور گسترانده‌اند، تظاهرات‌های خیابانی مردم به ضرب ماشین سرکوب دولتی و سکوت و مماشات سران سبز فرونشانده شده، اگرچه تهدید، بازداشت، اخراج، زندان، و شکنجه و کشتار، سایه

اسلامی خود را بر جنبش‌های اجتماعی، و از آنجمله جنبش‌دانشجویی گسترانده است، اما روزهایی چون ۱۶ آذر یادآور مبارزه پیگیر و خاموش ناشدنی‌ست.

با توجه به فضای امنیتی و ترورپولیسی موجود در ایران که امکان ابراز علنی عقیده و بیان را برای تمام دانشجویان و گروه‌های مستقل دانشجویی غیرممکن ساخته‌است، ما جمعی از دانشجویان، کنشگران جوان و فعالان سابق چپ جنبش‌دانشجویی، در تبعید و در مسیر سازمان‌یابی نوین، که خود را آلترناتیو اپوزسیون راست در خارج از ایران و صدای هم‌سنگرانمان در داخل ایران می‌دانیم، ضروری دیدیم که به برخی از مهمترین خواست‌ها، مطالبات، ایده‌ها و نظریات سانسور شده دانشجویان چپ صدا بخشیده و عموم دانشجویان را در این برهه تعیین‌کننده مخاطب قرار دهیم:

دانشجویان مبارز ایران!

جنبش‌دانشجویی در وضعیتی پیچیده به سر می‌برد و جز در بهار آزادی کوتاهی در فاصله دو نظام دیکتاتوری، همواره زیر فشار بوده است. جمهوری اسلامی هیچ‌گاه نمی‌توانست با وجود جنبش نیرومند دانشجویی، حاکمیت سیاه خود را مستقر کند. چنین بود که با همدستی دو جناح فعلی‌اش یا همان حزب الله سابق، پروژه انقلاب فرهنگی که نام واقعی آن «قتل عام فرهنگی» است، کلید خورد و با تصفیه نیروهای پیشرو و چپ دانشجویی و نسل‌کشی وحشیانه، با تعطیلی سه ساله دانشگاه‌ها دهه دهشتناک شصت را آغاز کرد.

نزدیک به دو دهه طول کشید تا بار دیگر جنبش‌دانشجویی توان و نیروی خود را بازیابد و در ۱۸ تیر ۷۸ نقشی محوری در جامعه بیابد. با تشدید تضادهای طبقاتی در جامعه، و گسترش جو یأس و ناامیدی و تسلیم عمومی در برابر موج لیبرالیسم و نولیبرالیسم، باز این جنبش‌دانشجویی بود که شاهد شکوفایی و سازمان‌یافتگی مستقل از حاکمیت و معطوف به طبقه کارگر و جنبش زنان بود. اما یورش همه‌جانبه حاکمیت به گروه‌ها و طیف‌های چپ دانشجویی در سال ۸۶ تا نابودسازی تمام نهادها و کانون‌ها و نشریات مستقل دانشجویی ادامه یافت. با آغاز رویارویی خیابانی مردم با دولت، فشار بر دانشجویان و دانشگاه‌ها تشدید شد. در یکسال گذشته علاوه بر اخراج و ترور برخی استادان، هزاران دانشجو مورد تهدید، ارباب، بازداشت و اخراج قرار گرفته‌اند.

سویه دیگر امسال اما، سیاسی شدن همگانی در دانشگاه بود. اگر در سال‌های گذشته فعالیت سیاسی دانشجویان عمده به گروه‌هایی در دانشگاه‌های معینی در ایران محدود بود، اما تحولات یکسال و نیم گذشته و عریان شدن تضاد حاد حاکمیت و جامعه، جنبش دانشجویی را به لحاظ کمی بسیار گسترده‌تر کرد و دامنه‌اش را به دانشگاه‌های کوچک‌تر و شهرهای دیگر رساند.

اکنون به دلیل سرکوب و خفقان حاد و نیز فقدان سازمان‌یافتگی مستقل دانشجویان، سطح ظاهری دانشگاه‌ها تحت کنترل به نظر می‌رسد، اما در لایه‌های زیرین، گدازه‌های جنبش همه‌جا گسترده می‌شود. به ویژه با اشغال نظامی دانشگاه‌ها، جنبش دانشجویی مجبور شده‌است کانون گسترش خود را از دانشگاه به بیرون جهت دهد، گرایشی که خود امکان‌های جدیدی را پیش روی جنبش دانشجویی فرامی‌نهد.

در خلاء ناشی از فقدان سازمان‌های چپ و پیشرو دانشجویی، تلاش می‌شود تا "دفتر تحکیم وحدت میان حوزه و دانشگاه" نقش نمایندگی جنبش دانشجویی را ایفاء کند. دفتر تحکیم وحدت که در سال‌های اخیر در دانشگاه‌ها رنگ باخته بود، بار دیگر به مدد نیروهای مسلط در خارج از دانشگاه و به کمک نهادهای ارتجاعی انجمن اسلامی به حرکت درآمده و با پشتیبانی رسانه‌های امپریالیستی و سران‌سبز برای انحراف مبارزات دانشجویی به نفع جناح‌های سلطه عمل می‌کند. آنها تلاش می‌کنند جنبش عادلانه علیه دیکتاتوری حاکم را به نفع خونریزان کهن کانالیزه کنند.

نامه طیف خارج از کشوری آن‌ها و سازمان ادوارشان به اوپاما و دستبوسی هیأت حاکمه امریکا در حالی‌ست که سرخی سه قطره خون بر تن ۱۶ آذر از سال ۳۲ نقش جنایتکارانه امریکا علیه مردم و دانشجویان ایران را همواره در ذهن جمعی دانشجویان زنده نگاه داشته است. طیف داخل کشوری این سازمان نیز با حلقه به گوشی نخست وزیر دهه اعدام‌ها، تلاش می‌کند جنبش دانشجویی را در پای بی‌افقی و بی‌عملی رهبران سبز قربانی‌کند. تحکیم وحدت و ادوارش می‌کوشند با لفاظی، ماهیت واقعی نظام را پنهان نگاه داشته و روبنای سیاسی استبدادی آن را بی‌رابطه با زیربنای اقتصادی آن نشان دهند.

دانشجویان چپ بر این اعتقادند که دیکتاتوری کنونی جزئی لاینفک از نظام اقتصادی حاکم بر ایران است و تلاش برای آزادی به تلاش برای دگرگون کردن ریشه‌ی نظام گرمخورده است. واقعیت این است که میلیتاریزه شدن روز افزون حاکمیت، و تشدید دیکتاتوری در ایران ارتباط تنگاتنگی با تحولات سرمایه داری ایران دارد.

سرمایه‌داری حاکم بر ایران با در پیش گرفتن سیاست‌های نولیبرالی و چوب حراج ثروت‌های اجتماعی را زدن، خصوصی سازی‌های گسترده و بازآرایی نظم سرمایه، که با اخراج‌های گسترده کارگران، تحمیل بی‌حقوقی و همراه است، قادر به تحمل آزادی‌های نیم‌بند چند سال گذشته نیز نیست. خط مشی اقتصادی سرمایه داری نولیبرال در ایران، که موسوی و کروبوی و رفسنجانی نیز همچون احمدی نژاد بر آن توافق دارند، با توجه به پیامدهای پرهزینه‌اش بر کارگران، بیکاران، دانشجویان، و دیگر گروه‌های فرودست اجتماعی، با اعتراض و ایستادگی مردم مواجه بوده‌است. در نتیجه تحمیل دولت نظامی سپاهیان و اعمال خشونت سیستماتیک و دیکتاتوری عریان، پاسخ کارای سرمایه داری ایران برای تحکیم قدرت خود است.

نتیجه‌یابی مبارزه با دیکتاتوری در ایران به مبارزه با سرمایه‌داری گرمخورده است و دل بستن به شکاف داخلی میان سران نظامی سراپا ظلم و جور و کشتار ره بردن به بیابان فناست و هرچه بیش تر خنجر سرمایه‌داری را در کتف فروستان فشردن. بدون دگرگون کردن ریشه‌ی نظم موجود، گذر از دیکتاتوری به آزادی امکان‌پذیر نیست. بی‌دلیل نیست که سران سبز در تلاش برای جلوگیری از دگرگونی ریشه‌ی، به دیکتاتوری نیز در عمل، گردن نهاده‌اند.

زندگی تحصیلی و زیستی دانشجویان اما فاصله زیاد آن‌ها از شعارهای سبز را نشان می‌دهد. روز به روز دانشگاه‌ها بیشتر به یک کاسبکاری سرمایه‌دارانه و شبه بنگاه‌های اقتصادی بدل می‌شوند. پولی شدن تحصیلات عالی و خدمات دانشگاهی نه تنها فشار شدیدی بر دانشجویان وارد می‌آورد، بلکه فرصت تحصیل و دانشجویی را از گروه‌های کم‌درآمد جامعه سلب کرده و تحصیل را نیز امری مختص طبقات بالادست می‌کند. فشارهای شدید جنسیتی بر دانشجویان دختر، و کنترل فاشیستی معاشرت دختران و پسران در دانشگاه‌ها، معنای رحمانی اسلام را واسازی می‌کند. جوانان مناطق محروم به طور سیستماتیک از ورود به دانشگاه‌های معتبر باز می‌مانند، محتوای درسی دانشگاه‌ها در یک «قتل عام فرهنگی» دیگر سلاخی شده و علم مدرن با خرافات مذهبی جایگزین می‌شود.

دانشجوی ایرانی با گوشت و پوست خود امروز در حال تجربه دوباره آن چیزی است که سالهای طلایی!! خمینی و موسوی بر گرده نسل گذشته حک کرده‌اند. میان واقعیت زندگی دانشجویی و راه‌های سبز موسوی شکافی پرنشدنی‌ست. میان مشی مبارزه انقلابی و مشی مماشات و فرصت‌سوزی برای بقای نظام جور طبقاتی از طریق بازگشت به قانون اساسی ارتجاعی ایران سازش امکان پذیر نیست. از همین روست که جنبش نوین دانشجویی و چپ‌گرای ایران از دل این تضادهای موجود سربر آورده و محصول همین شرایط و فرزند زمانه خویش است و آلترناتیوی انکار ناشدنی.

اکنون به عنوان بخشی از طبقات ستمدیده و در راه هدف والای مبارزاتی مشترکمان، فرایتمان می‌خوانیم "تا گرد خواست‌های مشخص و بنیادین، خود را سازمان داده "تا نقش مهم تاریخی خود را در نبرد با دشمن مشترک ایفاء کنیم.

-دیکتاتوری اسلامی حاکم بر ایران نظامی پوسیده است و مانع هرگونه رشد و تکامل جامعه. جنبش دانشجویی نظام حاکم را مانعی بر سر راه تحول مثبت جامعه می‌بیند، مانعی است که باید رفع گردد!

-جنبش دانشجویی در مقابل هرگونه دخالت سیاسی، نظامی امریکا و دیگر قدرت‌های امپریالیستی می‌ایستد.

-جنبش دانشجویی هرگونه دیکتاتوری و بی‌عدالتی را محکوم می‌کند.

-جنبش دانشجویی متحدان خود را در نهادهای حکومتی ایران، با اتاق‌های وزارت خارجه کشورهای غربی جستجو نمی‌کند. جنبش دانشجویی متحدان حقیقی خود را طبقه کارگر و گروه‌های اجتماعی می‌داند که آفریننده واقعی جهان اجتماعی اند، در حالی که ماحصل کار و تلاش آنها به صورت روزمره به غارت می‌رود.

-تبعیض جنسیتی و ستم آشکار بر زن نیمی از جامعه را مستقیماً هدف گرفته است. مبارزه با تبعیض جنسیتی و پشتیبانی از مبارزه برای رهائی زنان مطالبه‌ای اساسی برای جنبش دانشجویی است.

-جنبش دانشجویی متحد جنبش‌های حق‌طلبانه بوده و هست و دفاع و کارزار در پشتیبانی از فعالان و اهداف این جنبش‌ها را از وظایف خود می‌داند.

-دفاع از علم در برابر جهل، وظیفه تاریخی جنبش دانشجویی در این برهه است. بایستی در برابر هر یورش حاکمیت به علوم انسانی و اجتماعی ایستاد و آن را عقب زد.

-خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها و پولی‌شدن آموزش باید متوقف گردد. میلیاردها تومانی که صرف خیمه‌شب‌بازی‌های نظامی می‌شود، می‌باید به بخش آموزش اختصاص داده شود و ظرفیت تحصیلات عالی رایگان، متناسب با متقاضیان افزایش یابد. خوابگاه‌ها، غذا، حمل و نقل و متون درسی دانشجویان باید به رایگان در اختیار آنان قرار گیرد. طبیعی است که هرگونه کم و کاست در مسایل رفاهی دانشجویان قدرت تشکیل جبهه‌های متحد صنفی را ایجاد می‌کند و می‌تواند راه را برای مبارزه سیاسی هموار کند.

-جمهوری اسلامی در ادامه سیاست‌های ستم ورزانه‌اش بر قشر فرودست طرح یارانه‌ها را در دستور اجراء دارد و سران سبز نیز ضمن همدلی با اجرائی شدن این طرح ضد انسانی، عملاً اعتراضات محتمل و به حق طبقات فرودست را "شورش‌های کور" خوانده اند و بار دیگر همدستی خود با بخش درون حاکمیت بورژوازی و یکپارچگی منافع سرمایه داری ایران در سرکوب را باز نموده اند، و بدیهی است که، این طرح معاش خانواده‌های بسیاری از دانشجویان را مختل می‌کند و باید متوقف گردد.

-بسیاری از فعالان دانشجویی از طیف‌ها و جریان‌های گوناگون به دلیل نظرات سیاسی و کنش‌های اجتماعی خود اکنون دربندند. آزادی کلیه زندانیان سیاسی و جبران خسارت‌های وارده بر آنان از مطالبات اساسی جنبش دانشجویی است.

-جنبش دانشجویی اهرم و بازپچه‌ای برای سران سبز نیست. آن‌ها امتحان‌شان را قبلاً پس داده‌اند. جنبش دانشجویی برای به قدرت رسیدن این و یا آن قدرت بیگانه از طریق مردم تلاش نمی‌کند، بلکه راه پیوند مبارزات دانشجویی به مبارزات قشر‌های تحت ستم و راه رهائی را می‌جوید.

دانشجویان سرباز نیستند. آنان آینده را می‌سازند. آینده‌ای به رنگ سرخ انقلاب.

جمعی از جوانان کمونیست سوئد

جمعی از جوانان و دانشجویان چپ - ایتالیا
جمعی از دانشجویان کمونیست ایرانی ساکن کانادا
کمیته جوانان بلژیک
گروه پروسه
امیر محسن محمدی - فعال دانشجویی آزادی خواه و برابری طلب
پریسا نصرآبادی - فعال سوسیالیست جنبش دانشجویی
پویا عزیزی - فعال چپ
پیام شاکر - فعال سوسیالیست جنبش دانشجویی
تیکا کلاکی - فعال چپ - بلژیک
دریا هدایتی - فعال چپ - دانمارک
شروین پناهی - فعال چپ
شهاب سیروان فعال نشریه دانشجویی بذر
عابد رضائی - خلاف جریان
فریبا امیرخیزی فعال نشریه دانشجویی بذر
میترا سپانلو - فعال چپ
وحید ولی زاده فعال سابق چپ رادیکال دانشجویی و دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب